



## مکثی بر قرارداد صلح و استقالتا (۱۶۴۸) و ایجاد ارزش های روابط بین المللی مدرن

انگیزه این مقاله اوضاع اکنونی بین المللی و خطرات جدی بعد از جنگ دوم جهانی میباشد که نقض صریح محتوای منشور سازمان ملل متحد و ارزش های حقوق بشری مسجل در کنوانسیون سال ۱۹۴۸ حقوق بشر و محتوای قوانین چهارگانه کنوانسیون های ژنیو در مورد قوانین جنگ و برخورد با جرایم شدید ضد بشریت میباشد که در اوضاع کنونی متشنج جهان ، حاکمیت ملی ، تمامیت ارضی دولت ها و نظام های که قانونی و

دارای مشروعیت ملی و بین المللی اند، نیز در معرض تعرض قرار گرفته، تشوش بر انگیز اند. این حالت را میتوان گردش دوبار مفاهیم «دولت-ملت» به احیای «دولت – امپراطوری» قبل از قرارداد صلح و استقالتا ارزیابی نمود. اوضاع بحرانی کنونی بین المللی و زور و قدرت طلبی قدرت های بزرگ اکنون همه ارزش های حقوق بین المللی و بشری را در جهان ما و اکثریت سرزمین های که دارای دولت ها و نظام های قانونی اند، در معرض تهدید و خطر نابودی قرار داده ، این حالت خود بیان یک برگشت به دوره های امپراطوریهای قدیم اند که فقط به جنگ و تسلط بر سرزمین های دیگر می اندیشیدند و با وحشت مردم را قتل عام میکردند.

قرارداد صلح و استقالتا سالهای ۱۶۴۸ برای اولین بار حل مسالمت آمیز منازعات با وسائل صلح آمیز و احترام به حاکمیت ملی سرزمین ها را مورد بحث و توافقات قرار داد. به عنوان مکثی بر این قرار داد باید گفت که:

در قرن هفدهم دو پدیده یا دو مفهوم سیاسی یعنی «دولت- ملت» و روابط بین المللی بجای سیستم امپراطوری جاگزین گردیدند. اساس ایجاد این دو مفهوم سیاسی بیان یک واحد جغرافیائی است که دارای نظم داخلی و استقلال خارجی بوده است که با قرارداد صلح و استقالتا در سال ۱۶۴۸ در روابط بین المللی ایجاد گردید.

مهمترین نقش قرارداد صلح و استقالتا تثبیت مفهوم حاکمیت ملی در روابط بین المللی بوده است. روی همین دلیل قرارداد صلح و استقالتا نه تنها ختم جنگ های خانمانسور سی ساله مذهبی میان قدرت های امپراطوری کاتولیسیم و پروتستانسیم بود بلکه آغاز یک دوره مدرن در انکشاف روابط بین المللی تلقی میگردد.

دو معاهده اصلی صلح و استقالتا شامل

معاهده مونستر (بین فرانسه و امپراتوری مقدس روم)

و معاهده اوسنبروک (بین سوئدن و امپراتوری مقدس روم)

بر اساس این معاهدات:

حاکمیت دولت ها بر قلمرو خود به رسمیت شناخته شد،

توازن قوا بین کشورهای اروپایی تقویت یافت.

یکی از مسائل با اهمیت این مرحله در روابط بین المللی عبارت بود از ظهور مفهوم حاکمیت ملی

این مفهوم در برطبق این اصل، هر کشور حق دارد بدون دخالت خارجی بر قلمرو و امور داخلی خود حکومت کند در حقوق بین‌الملل مدرن است که در منشور سازمان ملل متحد بحیث یک اصل «واقعیت پایه‌گذار اصل «عدم مداخله عمده و بعد از نتایج جنگ دوم جهانی پذیرفته شده است

یکی از مسائل با اهمیت این مرحله در روابط بین‌المللی عبارت بود از ظهور مفهوم حاکمیت ملی .

این مفاهیم در حقوق بین‌الملل مدرن است که در منشور سازمان ملل متحد بحیث یک اصل و پایه گزار اصل «عدم مداخله» پذیرفته شده است.

بر طبق این اصل هر کشوری حق دارد بدون دخالت خارجی بر قلمرو و امور داخلی خود حکومت نماید.

اهمیت دوم صلح و ستفالتیا نخستین تلاش موفق برای پایان دادن به درگیری‌های مذهبی گسترده در اروپا بود. از این به بعد دین از عرصه سیاست خارجی تا حد زیادی کنار گذاشته شد.

معاهدات صلح و ستفالتیا آغاز یک نظم جدیدی در روابط بین‌المللی شد که بر مبنای برابری حقوقی کشورها، احترام به مرزها و اصل توازن قوا استوار بود. این اصول بعدها در منشور سازمان ملل نیز بازتاب یافت. مذاکرات و ستفالتیا از نخستین نمونه‌های دیپلماسی چندجانبه بودند

اهمیت دیگر صلح و ستفالتیا در آن بوده است که نمایندگان چند کشور به طور همزمان بر (multilateral diplomacy) سر یک میز نشستند و درباره و سرنوشت مشترک تصمیم گرفتند. این الگو بعدها در کنفره وین سال (۱۸۱۵)، جامعه ملل و سازمان ملل متحد تکرار و مورد استفاده قرار گرفت.

بدین ترتیب صلح و ستفالتیا یکی از مهم‌ترین نقاط عطف در تاریخ روابط بین‌المللی است. مفاهیم و اصولی که در این معاهدات پایه‌گذاری شد، همچنان مبنای بسیاری از قواعد حقوق بین‌الملل و سیاست خارجی کشورها به شمار می‌رود. اگرچه از آن زمان تاکنون تغییرات زیادی در نظم جهانی رخ داده است، اما میراث و ستفالتیا همچنان در شکل‌گیری سیاست جهانی تأثیرگذار است.

در این پیمان، برای نخستین بار حقوق برابر و یکسان کشورها به عنوان واحدهای سیاسی مستقل مطرح و پذیرفته شد. از این رو این پیمان در تقابل با نقض سه اصل مهم در روابط بین‌المللی یعنی اصل عدم مداخله در امور کشور های دیگر، عدم توسل به زور و احترام به حاکمیت ملی توسط کشور های تلقی می‌گردد که در اوضاع کنونی دارنداوضاع بین‌المللی را به دوره های قبل از صلح و ستفالتیا یعنی از اصل « دولت- ملت» به اصل « دولت امپراطوری» برگردانند.